



بہ اہتمام ترجمہ

پرفسور حسین صَادِق

رُبَاعِی مایِ حِیَام

به کوشش و ترجمهٔ پرفور حسین صادقی به سه زبان
فارسی - انگلیسی - فرانسوی

به ایامی از دکتر فدریکو مایورندیرکل سابق یونسکو

سیر - کنتار: پرفور حسین صادقی

دیباچه: کرمیت ملا، ملای ندوشن

نقاشی: اسناد محمود فیضان

خوشنویسی: استاد غلامحسین میرزا

هماهنگی و برنامه ریزی: مجید خسروشاهی

مدیر هنری و طراحی: محمدرزمانیان

لیتوگرافی: سنآندکویا چاپ: خانه فرهنگ و هنر کویا

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه چاپ اول: تابستان ۱۳۹۵

شابک: ۹-۰۳-۸۰۶۴-۶۰۰-۹۷۸

مدیر تولید: ناصر سید باقری - احسان سید باقری

مقدمه چاپ پنجم

برای تکمیل این چاپ ترجمه های انگلیسی و فرانسوی رباعیات بازنگری گردیده است.
دو رباعی از بین صد و ده رباعی را نمی توان به صورتی که در منابع مختلف آمده اند ترجمه نمود مگر به یاری تعبیر و برداشت شخصی از آنها.
این دو رباعی عبارتند از:

رباعی ۱۵:

چون دوزی می کشد و کم نتوان کرد دل ایه کم و بیش درم نتوان کرد
کار من و تو چنانکه رای من توست از موم به بست خویش هم نتوان کرد
مصرع چهارم بدون تعبیر معنی نمی دهد و شاید چنین آمده است: «از موم به بست خویش هم نتوان کرد».
چم: رفتار با پیچ و خم، ساخته، آراسته آماده و... به (ت نامه و خدا)

رباعی ۷۰:

بر من قلم قصه چو بی من اند پس نیک و بدش چو از من می اند
دی بی من امروز چو دی بی من تو فردا به چه حجت من به داور خوانند
مصرع سوم منطقی نیست زیرا امروز من و تو حضور داریم. این مصرع احتمالاً بوده است: «دی بی من و امروز چو دی بی تو من» که
رباعی را به بهترین نحوی قابل فهم می سازد یعنی بدون اینکه من بتوانم آن تغییر دهم.
تو: تاب، پشیم، چین و تا، لغت نامه و خدا. با این تغییر منظور شاعر به روشنی درک می شود.
به احتمال زیاد خطا تو را تو خوانده و متوجه گردیده که آهنگ شعر مزبور نیست و بنابراین تو را تبدیل به تو کرده بعد از کلمه من آورده است.

چون دوربائی بالابہ صورتی کہ حدسن زده می شود در منابع موجود دیده نشدند از درج این تفسیرات خودداری کردید و تنها به این
انها رختیده قناعت شد. تا چه قبول افتد چه د نظر آید.

موضوع دیگری که ذکرش جالب می باشد رباعی های علمی حکیم عمر خیام هستند که لازم است توجه خوانندگان گرامی به آنها معطوف گردد:
رباعی ۱:

دوری که در او آمدن و رفتن مات اورا نه بدایت نه نهایت پیداست
کس می نزنند می در این معنی راست کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست
حکیم در این رباعی سَرِ زمان را توصیف می کند: که آن را نه ابتدا مشخص است نه انتها. همچنین معلوم نیست از کجایم آید و به کجا
می رود. با وجود پیشرفت های علمی زیاد هنوز هم دانشمندان قادر به جل سَرِ زمان نیستند.
دوری که در سَرِ می شود دور، دوران و زمان (لغت نامه دهخدا)
آمدن و رفتن در مصراع چهارم مربوط به زمان است نه به بشر.
رباعی ۲:

این مجرّم جو آدمه بیرون نهفت کن نیست ای گرگو به تحقیق نهفت
هر کس سخنی از سر سودا گفتند ز آن روی که هست خبر نمی گفت
پیداشدن عالم وجود در این رباعی بررسی شده است. این نظریه حکیم نیشابوری فرضیه بگ بگ (Big Bang) را به خاطر
می آورد که در سال ۱۹۳۰ میلادی برابر با ۱۳۰۸ شمسی توسط «ژرژ لومتر» (Georges Lemaitre 1894 - 1966)
کیش دانشمند بلژیکی پیشنهاد شد.

رباعی ۱۱:

این چرخ فلک که مادا و حیرانیم فانوس خیال از او مثالی دانیم
خورشید چراغ دان عالم فانوس ما چون صوریم کا نذران کردانیم

حکیم عرخیام در این رباعی منظومه‌ی راکه در آن خورشید در مرکز واقع شده و ما با زمین به دور آن می‌گردیم شبیه به فانوس خیال
نموده است در این فانوس شمع یا چراغی در وسط آن قرار دارد که حرارتش باعث می‌شود اشکال یا صورت‌تعبیه شده در فانوس
به دور شمع بچرخند. این همان نظریه‌ی مرکزیت خورشید است که کپرنیک (Nicolas Copernic 1473 - 1543)
۴۰۰ سال بعد از خیام آن را به طور مفصل توضیح داد.

بالاخره باید تذکر داد که حکیم در ۷۰ درصد رباعیاتش به نحوی از مرکب سخن به میان می‌آورد. این اصرار در بیان عاقبت بشری به
سخت‌بیدنی او نیست که بعضی بر آن باورند بلکه به خاطر حقیقت مبنی اوست که می‌خواهد توجه ما را به آن جلب نماید
تا قدر سخنان زنده بودن را بدانیم.

می‌توان نسخه‌ی زندگی حکیم را این گونه در یک بیت خلاصه نمود:

ز خاطر مبرا سر بر نه را که تا بهره‌گیری ز هر خطای

سهروردی

ارویشت ماه ۱۳۰۵ برابر با ماه ۲۰۱۶

فهرست مطالب

پیام قدریکو مایو

پیشگفتار

دیسباح

بخش یکم : رازهای جهان هستی

بخش دوم : ناگزیربای زندگانی

۱- سرشود ۲- بویائی دنیا ۳- مرک ۴- ناک کالبد

بخش سوم : پریشان

بخش چهارم : زندگی اجتماعی

بخش پنجم : دکمهای خوش زندگانی